



گروه و اقسام آن در زبان فارسی

(۴)

گروه‌های اسمی چند هسته‌ای یا همسانی

گروه‌های اسمی چند هسته‌ای یا چند مرکزی یا همسانی بطوری که دیدیم از عناصر همسان بوجود می‌آیند یعنی از اجزائی تشکیل می‌شوند که دارای نقش دستوری یکسان و همانندی باشند. این گروه‌ها بر چهار قسمند: ۱- گروه‌های اسمی همپایگی ۲- گروه‌های اسمی بدلی ۳- گروه‌های اسمی تأکیدی ۴- گروه‌های اسمی تفسیری. اینک مساوی‌زگی در یک از این گروه‌ها را باز مینمائیم و شرح میدهم..

گروه‌های اسمی همپایگی یا همپایه هسته

گروه‌های اسمی همپایگی یا همپایه هسته آنهایی هستند که معمولاً با پیوندهای همپایگی و یا بادرنگی خاص همراهند. بپیوندهائی از قبیل «و» و «یا» و «اما» و «بلکه» و غیره. مانند کتاب و دفتر و قلم، من و تو و او. آنچه همپایه دارد همپایه دار و آنچه همپایه شده است «همپایه» نامیده میشود. همپایه دار مانند «کتاب» و همپایه مانند «دفتر» و «قلم» در مثال یاد شده.

این گروه‌ها امروز بیشتر پیوسته‌اند مانند «مداد و کاغذ و دفتر را برداشتم» ولی

☆ آقای دکتر خسرو فرشیدورد استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران از صاحب نظران و شاعران نامدار معاصر.

ممکنست گسسته نیز بکار روند و بین اجزاء آن فعلی فاصله شود مانند هوشنگ آمد و فریدون، من ماندم و او، نومیدانی و خدای تو که در اصل بوده اند هوشنگ و فریدون آمدند، من و او ماندیم، تو و خدای تو میدانید .

اینگونه اگر وعها در قدیم بیشتر بوده اند: من ماندم و سواری دو (بیهقی).

تأکید و گروه اسمی تأکیدی

تأکید آوردن سخنی^۱ است که برای توجه کردن یا شدت و کمال و روشنی بخشیدن به سخنی دیگر بکار می‌رود مانند بسیار و تنها در عباراتی از قبیل «بسیار زیبا» و «تنهای تنها».

آنچه را تأکید می‌شود تأکید شده یا «مؤكد» می‌نامیم مسانندی «تنهای اول و زیبا» و آنچه تأکید می‌کند تأکید گرمی گوئیم مانند «بسیار» و «تنهای دوم». تأکید دو قسمت یکی تأکید «دستوری یعنی تأکیدی که بوسایل معین دستوری صورت می‌گیرد و دیگر تأکید معنوی که وسایل دستوری خاصی ندارد مانند تأکید از راه اغراق و غیره و یا سخنی که خود بخود دارای تأکید است مانند اصوات و جمله‌های صوتی.

تأکید دستوری - تأکید دستوری خود بر دو قسمت و از دو راه صورت می‌گیرد یکی تأکید همسانی که موضوع بحث مادر این مبحث است و بزودی به آن اشاره خواهیم کرد دیگر تأکید ناهمسان که مورد بحث مانیت و خود بر چند قسمت: ۱- تأکید بوسیله وابستگی ۲- تأکید بوسیله ادات و حروف ووندها ۳- تأکید صوتی و آوایی مانند تأکید بوسیله تکیه و غیره ۴- تأکید از غیر این راهها.

تأکید بوسیله وابستگی تأکید است که با صفات و قیود و وابسته‌های دیگر صورت می‌گیرد مانند «کار شدید» «البته او می‌رود» و همچنین تأکید و قصر بوسیله «فقط» و «تنها» و «همین» و «و بس».

تأکید بوسیله ادات ووندها و حروف مانند تأکید «يك» بوسیله «ی» نکره در گروه هائی نظیر «يك شبی» و همچنین در گروه هائی مانند «مر اورا» ، «به شکر اندر» در قدیم. من اقسام این نوع تأکید را در مقاله «تأکید و قصر در زبان فارسی» شماره پنجم سال سوم ۱۳۵۴ در ذیل «آوردن مترادف» و در فصول دیگر آن مقاله نوشته‌ام.

تأکید صوتی و آوایی مانند تأکید بوسیله تکیه کلمات در جمله.

تأکید از غیر این راهها مانند تأکید «اگر» بوسیله «که» و «اینکه» در گروه هائی نظیر اگر که و اگر اینکه و تأکید «به» بوسیله علت و تبدیل آن به «بعلت» . به مقاله یاد شده در شماره های ۵ و ۶ و ۷ و ۹ مجله گوهر سال سوم نگاه کنید.

این نوع تأکید از اقسام همسانیست که گروههای چندهسته‌ای می‌سازد. «تأکید همسانی» یا «تأکید همسان» تکرار لفظی یا معنوی سخنی است که با آن دارای يك نقش دستوری باشد و برای توجه کردن و شدت و کمال بخشیدن به آن سخن بکار رود و بر روی هم بایکدیگر يك گروه چند هسته‌ای بوجود آورند. این نوع تأکید را در ذیل «تکرار» و «آوردن مترادف» و «عطف» و «تأکید اسم» و «فصل» در مقاله پیش گفته در شماره پنجم و ششم و هفتم مجله گوهر آورده‌ام و اینجا نیازی به تکرار آن نیست.

گروه اسمی بدلی و بدل

گروه اسمی بدلی یکی از اقسام گروههای اسمی چند هسته‌ایست که از بدل و بدل‌دار (مبادل‌منه) بوجود می‌آید مانند «پسر او، فرهاد» و «فردا، چهارشنبه». «پسر او» و «فردا» را بدل‌دار (مبادل‌منه) و «فرهاد» و «چهارشنبه» را بدل و مجموعه آنها را گروه اسمی بدلی می‌خوانیم. بدل و بدل‌دار قطبهای گروه اسمی بدل بشمار می‌روند. **تعریف** - بدل گروه اسمی یا اسمیست غیر مکرر و توأم با درنگی خاص که با اسم یا گروه اسمی دیگر به نام بدل دار دارای يك مرجع و يك نقش واحد دستوریست. که بدل برای روشن کردن معنی بدل‌دار یا رفع ابهام از آن بکار می‌رود و حذف آن خللی به ساختمان جمله وارد نمی‌سازد. بدل دارای دو درنگست یکی پیشین که قبل از بدل و دیگر پسین که بعد از آن و در آخر گروهست ولی در گروههای بدلی گسسته درنگ به نحو دیگریست. بدل یا بدل‌دار از لحاظ معنوی غالباً بر شغل لقب، کنیه، مقام، اسم خاص یا بعضی دیگر از خصوصیات اسم دلالت می‌کند.

بدل برای توضیح یا رفع ابهام از بدل‌دار می‌آید و معمولاً بدون واسطه حروف و ادوات به بدل دار مربوط میشود و بعد از آن نیز می‌آید مانند مثالهایی که زدیم. بدل یا لفظی است و آن همانست که ویژگیهای آن را ضمن تعریف گفتیم و یا معنویست که با تعریفی که درباره بدل کردیم سازگاری ندارد بنابراین بدل واقعی و دستوری نیست بلکه تنها از لحاظ معنوی بدل بشمار می‌رود.

بدل لفظی - گروه بدلی لفظی را از نظر ویژگیهای اجزاء و عناصر بوجود آورنده آن به اقسام متعددی میتوان تقسیم کرد^۲ ولی همه آن اقسام را ممکن است به دو قسم عمده تقسیم نمود یکی گروههایی که یکی یا هر دو جزء آن اسم خاصست مانند ابوعلی حسن و برادر من هوشنگ. دیگر گروههایی که اسم خاصی در آن نیست و هر دو جزء آن از ضمیر یا اسم عام

یا گروه اسمی عام بوجود آمده است. مانند فردا چهارشنبه، ما دانشجویان، برادر من آن مرد مهربان، آن دونفر دوست من و دوست شما به اینجا آمدند، سخن سحرانگیز مساند این مصراع سعدی: عبادت بجز خدمت خلق نیست. شعر خوب مانند این غزل... اینک مثال برای تشبیه لب لعل

یادآوری - چون اسم خاص بندرت صفت می گیرد وقتی بخواهند توضیحی بیشتر درباره آن بدهند برای آن بدل یا تأکید می آورند بنابراین بدل برای اسم خاص مانند صفتست برای اسم عام.

گروه گسته بدلی - گاهی بین بدل دار و بدل کلمه یا کلماتی فاصله میشود مانند: «کلمه در عربی بر سه قسم است اسم و فعل و حرف» که «است» بین بدل دار (سه قسم) و بدل (اسم و فعل و حرف) فاصله شده است یا «اقسام کلمه در عربی از این قرار است اسم و فعل و حرف». بنابراین از مواردی که بدل از بدل دار فاصله میگیرد وقتی است که بدل دار اسم یا گروه اسمی مبهمی مانند «از این قبیل» و «از این قرار» و غیره است. بعضی از عدد و معدودها هم از گروههای اسم مبهمند مانند ده نوع، پنج قسم و غیره.

یادآوری - در قدیم علاوه بر فعل بین بدل و بدل دار «را» هم فاصله میشده است. مثال:

مکر عیاران سپاه ایران پسر قیصر را شاهنوش را کشته اند (دارا بنامه بیغمی، ص ۲۴۱ ج ۲).

بدل معنوی - بعضی از سخنان و جملهها و جملههای کوچک برخی از ویژگیهای بدل را دارند ولی فاقد خصوصیت اصلی بدلند و آن اینست که بدل و بدل دار هر دو اسم یا گروه اسمی و جمعا نیز گروه اسمی همسانی بوجود می آورند در حالی که بدل معنوی و بدل دار معنوی چنین نیستند. مهمترین اقسام بدل معنوی آنهایی هستند که جمله کوچکند مانند «ن کفریدونم او را دیدم» اینک دیروز نیامدم دلیلی داشت.

توانم آنکه نیازم اندرون کسی حسود را چه کنم کو ز خود برنج دراست

که جملههای کوچکی که بعد از که آمده اند و با خط سیاه مشخص شده اند بدل معنوی و وابسته کلمات پیش از خود هستند یعنی وابسته «من» و «این» و «آن» نیستند که ما آنها را بدل دار معنوی میگوئیم.

بدل معنوی نیز اقسام بسیاری دارد که نگارنده هفت قسم از آن را در مقاله «بدل و گروه اسمی بدلی» که ذکر آن گذشت نوشته ام.

یادآوری - چنانکه دیدیم بدل لفظی یا معنوی ممکنست در این موارد بکار رود.

۱- وقتی که اسمی خاصی وجود داشته باشد ۲- هنگامی که بدل دار عدد و معدود باشد ۳- وقتی که این و آن و واژههای اشاری و یا کلمات مبهم دیگری در عبارت داشته باشیم.

تفسیر و گروههای تفسیری

گروههای تفسیری اعم از گروههای اسمی و غیراسمی آنهائی هستند که امروز با معنی، به معنی و مانند آنها ساخته می‌شوند و در قدیم با «ای» و «اعنی» که به همان معنی اند نیز ساخته می‌شده‌اند. مانند برادر تو یعنی فرهاد، شیر به معنی جانور درنده، و طبع هوا اعنی قوت وی گرم نرم است (هدایة المتعلمین) و شریفتر همی شد تا به مرجان رسید اعنی بسه که آخرین عالم جماد بود پیوسته به اولین چیزی از عالم نبات (چهار مقاله ص ۱۰ چاپ معین) و سیزدهم صورت حوا ای مار افسای مردنی بر پای ایستاده (التفهیم ص ۹۲) و نام منزل هفدهم اکلیل ای افسر و سه ستاره است روشن بر پیشانی کژدم (التفهیم ص ۱۱۱) و یونانیان گفتند که کلب الجبار ای شعری یمانی بر آمد بدان روزها (التفهیم ص ۲۶۴).

در این گروهها ما جزء اول را تفسیر شده یا معنی شده و جزء دوم را مفسر یا تفسیر گر یا معنی می‌ناهیم.

مفسر و تفسیر شده همسان یکدیگرند و می‌توانند جمله، اسم، صفت، قید و هر کلمه دیگری باشند برخلاف بدل و عطف بیان که اختصاص به اسم دارند. و به عبارت دیگر ما هم گروههای اسمی تفسیر گر داریم و هم گروههای وصفی و هم گروههای قیدی و هم گروههای فعلی تفسیری. مثال برای گروههای وصفی تفسیری: خط مستقیم یعنی راست کوتاهترین فاصله بین دو نقطه است، نسبت مساوات منتظم ای هموار چیست (التفهیم ص ۲۱).

مثال برای گروه قیدی: او هرگز یعنی هیچوقت به اینجا بر نمی‌گردد. مثال برای گروه تفسیری فعلی او سعی کرد یعنی کوشید.

گروه تفسیری ممکنست گسسته باشد یعنی بین تفسیر شده و مفسر کلماتی فاصله شود مانند برادر او را دیدیم یعنی فرهاد را. آنگه بر آمدنش را مشرق الشتاء نام کنند ای آن زمستان (التفهیم ص ۱۷۵) و این میانه را ضیقته خوانند ای تنگی (التفهیم ص ۱۰۴). و آن روشن که بر عقاب است سرطایر خوانند ای کرکس پرنده (التفهیم ص ۱۰۲). یادآوری - چنانکه دیده می‌شود و این حالت در قدیم بیشتر بوده است.

گروه تفسیری اگر اسمی باشد می‌تواند تمام حالات اسم را داشته باشد مانند مثالهایی که پیش از این زدیم برای حالات مختلف اسم و این مثالها.

کتاب برادر او یعنی فرهاد (حالت اضافه) آن مجموعه دبا کبر یعنی خرس بزرگ است (حالت مسندی) و خردگان که باوی اند قلايص اند ای اشتران ماده (التفهیم ص ۱۰۴).

یادآوری ۱- بعضی از عناصر گسسته همسان را اعم از همپایه و بدل و تأکید‌گر و منسّر می‌توان جمله‌ای فرض کرد که بقیه عناصر آن حذف شده است یعنی مثلاً وقتی می‌گوئیم من مانده و او ممکنست فرض کنیم که این جمله صورت محذوف «من مانده و او ماند» است. ولی از آنجائی که در زبان و قواعد آن ما، بیشتر صورت راملاک قرار میدهیم و براین اساس حذف در بسیاری از موارد جنبه فرضی و ذهنی دارد نه واقعی و صوری بهتر است چنین حکمی نکنیم.

یادآوری ۲- تکیه یعنی بر روی هجای اولست مکرر وقتی که مانند فوق مثالهای گروه اسمی بسازد.

یادآوری ۳- «یعنی» گاهی میتواند ادات تشبیه باشد مانند پرچهر یعنی گل.

شد از دیدار آن بدور دلکش

شده خورشید یعنی دل پر آتش (نظامی)

گفتی که دلت به سوز در عشق

یعنی که سپند عاشقانه است (عطار)

جمله نیز می‌تواند منسّر جمله دیگر باشد. در این صورت علاوه بر عناصر تفسیری که دیدیم با ای که (در قدیم) و «یعنی که» و «مقصودم اینست که» و «منظور اینست که» و مانند آنها نیز می‌آید ۴ مثال؛ حالت دوم عکس حالت اولست یعنی بدل دار اسم خاصست و بدل اسم عام یا گروه اسمیست از روشهای نقد روش مقایسه است یعنی سخن سنج و ناقد برای داوری درباره خوبی و بدی آثار ادبی آنها را باهم مقایسه می‌کند. این گروهها گاهی گسسته‌اند به این معنی که بدل بعد از فعل می‌آید. ناپلئون به روسیه حمله کرد یعنی بدست خویش گور خود را کند، و نیز روز ایشان مکانی باشد شب دیگر را ای که روزی یکی راست بود مرشد دیگر را (التفهیم ص ۱۷۶).

گلبرگ را ز سنبل مشکین نقاب کن

یعنی که رخ بهوش جهانی خراب کن (حافظ)

تفسیر از لحاظ معنوی به بدل نزدیکست ولی از حیث ساختمانی و لفظی به همپایگی و تأکید شبیه است. زیرا اولاً برخلاف بدل و مانند همپایگی و تأکید شامل تمام اقسام کلمه می‌شود ثانیاً مثل بدل و بعضی از تأکیدها بیواسطه نیست بلکه مانند همپایگی وسیله و ابزار (یعنی و مانند آن) دارد و اگر ابزار تفسیر را حذف کنیم تبدیل به بدل یا تأکید می‌گردد مانند: «همه چیز نسبی است همه چیز وابسته به شرایط خاص خود است». بنابراین این تفسیر را می‌توان در درجه اول از اقسام همپایگی یا تأکید نیز دانست و در درجه دوم آن را نوعی بدل شمرد و یا عموماً منظور که ما عمل کردیم آن را در طبقه مستقلمی جای داد. در این صورت برای حروف و ابزارهای تفسیر هم مانند عربی باید طبقه خاصی قائل شویم و مثلاً آنها را حروف یا پیوندهای تفسیر بنامیم. بهر حال فعلاً موضوع تفسیر و گروههای تفسیری و ابزار و وسایل آن را نمی‌توان با دقت حل کرد و این امر مستلزم بررسی بیشتریست که باید در آینده صورت گیرد.

باری مسائلی را هم که پیش از این در ذیل عنوان «بدل معنوی» درباره یعنی و نظایر آن طرح کردیم می‌توان در تحت این عنوان نیز آورد و آن را تفسیر معنوی نامید فعلا کار ما طرح مسائل است نه دادن نظر قطعی درباره آنها به همین سبب شادروان دکتر محمد معین نیز تحقیقات دستوری خود را «طرح دستور فارسی» نامیده است.

۱ - در عربی به چیزی نظیر «همپایه» معطوف و به چیزی مانند «همپایه دار» معطوف... تلبیه می‌گویند.

۲ - سخن یا «صورت زبانی» در برابر اصطلاح زبان‌شناسی Linguistic Form بر-گزیده شده است و مفهوم عامی است که شامل همه واحدهای زبان اعم از سازه، کلمه، گروه، جمله کوچک و جمله می‌شود.

۳ - نگارنده اقسام بدل را در مقاله‌ای تحت عنوان «بدل و گروه اسمی بدلی» در مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران شماره پائین ۲۵۳۵ شرح داده است و اینجا از چنین تفصیلی خودداری می‌کند و خوانندگان گرامی را به مطالعه آن مقاله دعوت می‌کند در آن مقاله بدل پیوسته به ۱۲۴ قسم تقسیم شده است

۴ - در قدیم گاهی «که» به معنی «یعنی» و «یعنی که» به رسم اینکته و «به» به عنوان اینکته است. مثال: ابریق رفیق برداشت که به طهارت می‌روم و به غارت رفت (گلستان) هر روز بامداد از خانه بیرون آمدی که به دکان می‌روم... و در مسجد شدی و نماز کردی (تذکره الاولیاء).

پیشگاه علم انان و مطالعات فنی
شرط گرام

چون بریزد بخرند آخر کار
رو کند ترش وقت بارانها
مکتبی شیرازی

آن کریم است که چو ابر بهار
نه چو ابری که در زمستانها